

روزنامه سیاسی،اقتصادی،فرهنگی،اجتماعی،ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۰۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: موسسه مطبوعاتی نشرگستر امروز نوین • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

شترت

دوشنبه ۱۱ اسفند ۱۴۰۴ • ۱۲ رمضان ۱۴۴۷ • ۲ مارس ۲۰۲۶ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۳۴۰ • صفحه ۶۰۳۲

اذان ظهرتهران ۱۲:۰۶ • اذان مغرب ۱۸:۱۸ • اذان صبح فردا ۵:۰۹ • طلوع آفتاب ۶:۳۲



در پی تأیید خبر شهادت رهبر انقلاب، مردم سوگوار اصفهان خود را به میدان تاریخی نقش جهان رساندند و در عزای رهبر فقیدشان عزاداری کردند. عکس: پیام شاه‌سنایی، ایسنا

instagram:sharghdaily1
twitter:sharghdaily
youtube:sharghdaily
Telegram:SharghDaily
apararat:tasvirshargh
www.sharghdaily.com

اشکی که سرازیر شد، قلب‌هایی که زخمی شد

خانواده‌ها در کنار هم ایستاده‌اند؛ کودکان با چهره‌های متعجب به اشک بزرگ‌ترها می‌نگزند و سالمندان با صدایی لرزان از سال‌های رهبری و خاطرات گذشته سخن می‌گویند. برخی در سکوت دعا می‌خوانند و برخی دیگر با شعرهایی آرام، وفاداری خود را اعلام می‌کنند. در جمعیت که نگاه می‌کنی، چهره‌ها همه تکیده است و رد اشک بر گونه‌ها دیده می‌شود. عده‌ای هم در سکوت و اندوه، زمزمه‌وار شعارها را همراهی می‌کنند و سنگین اما باصلابت پیش می‌روند. آنان که به خیابان آمده بودند، با دهان روزه در عزای رهبرشان ناله می‌کردند. انکار هرکسی که آمده بود، می‌خواست در این لحظه تاریخی سهمی داشته باشد؛ چه با حضوری کوتاه، چه با داعی آرام و چه با اشکی که بی‌صدا بر گونه می‌لغزد. برای بسیاری این خبر فراتر از یک خبر سیاسی بود؛ فقدانی عاطفی و شخصی تلقی می‌شود. همین حس است که خیابان‌های کشور را به صحنه‌ای از سوگواری عمیق تبدیل کرده است. هرکسی به شیوه خود عزاداری می‌کند. شهرهای مختلف در غم و اندوه سنگینی فرو رفته‌اند، اما در دل همین اندوه، نشانه‌هایی از همبستگی و پیوند اجتماعی آشکار است؛ مردمی که در سخت‌ترین لحظه‌ها کنار هم ایستادند و با اشک و دعا، فصل تازه‌ای از تاریخ را رقم زدند.

صدای گریه در گوشه و کنار شنیده می‌شد. مادری دست کودک خود را محکم گرفته بود و زیر لب دعا می‌خواند و آرام اشک می‌ریخت. پیرمردی با قامتی خمیده، تصویر رهبر را بر سینه می‌فشرد و اشک‌هایش بی‌وقفه جاری بود. جوانی که شاید تا دیروز خنده‌اش در جمع دوستان طنین داشت، این بار سر به زیر انداخته و بی‌صدا می‌گریست. دخترکی با بهت تمام مدام بر سرش می‌زد و مادری اشک‌ریزان رهبرش را صدا می‌زد و زیر لب زمزمه می‌کرد و رهبر خوبم، رهبر شجاعم، هرچه زمان گذشت، جمعیت بیشتر شد و خیابان‌ها بیشتر رنگ عزا به خود گرفت؛ عده‌ای پرچم سیاه به دست، بر سر می‌زدند و عده‌ای با در دست داشتن عکس رهبر شهیدشان، ناله سر می‌دادند. اینجا اندوه فردی نبود؛ دردی مشترک بود که یک‌به‌یک به همه منتقل می‌شد. مردم کنار هم و شانه به شانه هم ایستاده‌اند؛ گویی می‌خواهند سنگینی این غم را با هم تقسیم کنند.

امروز تهران دیگر فقط یک پایتخت نیست؛ قلبی پتینه در سوگی عمیق است. اشک‌ها، دعاها و حضور خاموش اما پرمعنای مردم، آغاز روایتی شد از وداعی بزرگ؛ وداعی که در حافظه یک ملت حک خواهد شد.

فضا آمیخته‌ای از اندوه عمیق و همبستگی ملی است.

اندوه‌خوانی

امام خمینی(ره)، پرچم انقلاب بی‌وقفه برافراشته ماند، امروز نیز این پرچم بر زمین نخواهد افتاد. خون شهیدان، نه پایان راه، که آغاز فصلی نو از بیداری و استواری است. از درگاه خداوند متعال برای آن شهید عظیم‌الشان، علو درجات و هم‌نشینی با اولیای الهی و برای ملت بزرگ ایران، صبر، آرامش و استقامت مسئلت داریم.»

همچنین سازمان سینمایی، معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بنیاد رودکی، خانه کتاب و ادبیات ایران، نهاد کتابخانه‌های عمومی، بنیاد فرابای و ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد در پی شهادت رهبر انقلاب پیام‌های تسلیتی منتشر کردند. در بخشی از پیام تسلیت سازمان سینمایی آمده است: «خورشید فقاقت و استواری، در افق شهادت طلوع کرد. عالم اسلام و ایران مقتدر، در سوگ جان‌سوز رهبر حکیم، عارف واصل و علمدار جبهه مقاومت، حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (قدس‌سره) به سوگ نشست. شهادت، یاداش دهه‌ها مجاهدت نستوه و تبلور عینی پیوند میان «رهبری» و «شهادت» در مسیر آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی بود. ایشان نه‌تنها سکان‌دار کشتی انقلاب، که تکیه‌گاه معنوی و حکیم فرزانه‌ای بودند که هنر و سینما را «کلید پیشرفت کشور» می‌دانستند.

رهبری که همواره با نگاهی منصفانه و راهبردی، هنرمندان را به ترسیم چهره واقعی ایران فرامی‌خواندند، اکنون خود به صف یاران شهیدش پیوست تا در کنار حضرت امام(ره)، ناظر تداوم راه سرخ مقاومت باشد.»

گزارش‌خوانی

آدم‌های سرگردان

نان فانتزی هم کیسه‌های بزرگی از نان در دست دارند. بیشتر مغازه‌های خیابان شهید ثانی بسته است، با این حال چند مغازه خدمات کامپیوتری شلوغ است. یکی از مشتری‌های این مغازه مرد جوانی است که برای خرید فیلترشکن همچون دیگر مشتری‌ها ایستاده: «نگاه کنید؛ همه برای خرید فیلترشکن آمده‌اند. هیچ‌کس اینترنت ندارد و اصلا از چیزی خبر نداریم، البته همین فیلترشکن‌ها هم روی هر گوشی‌ای جواب نمی‌دهد». دختر جوان دیگری که برای تهیه فیلترشکن در نوبت ایستاده، می‌گوید: «به هر حال شرایط خاص است و اینترنت هم قطع. حتی امکان ارتباط با یکدیگر را نداریم. جدای از آن دسترسی به اخبار هم نداریم و نمی‌دانیم در شهر و محله ما چه اتفاقاتی می‌افتد.»

طرفی دیگر، داروخانه‌ای بزرگ است. مردم برای تهیه داروهای حیاتی منتظرند تا نوبتشان شود. اما صف مادر و پدراهی که برای خرید شیرخشک اینجا آمده‌اند بیشتر است. مردی تلفن به دست گرفته و از پشت خط از کسی آدرس داروخانه‌ای دیگر را می‌گیرد

برای تهیه شیر خشک. در کوچه‌های این خیابان دست هر رهگذری،

اتفاق‌خوانی

درخواست اهدای خون

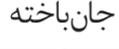
خون استان تهران گفت: «پایگاه‌های انتقال خون استان تهران آماده پذیرش اهداکنندگان خون است. مرکز جامع «وصال» از ساعت ۸ صبح تا ساعت ۲۲ و همچنین مراکز جامع «ستاری»، «شهرری» و «تهرانپارس» از ۸ صبح تا ساعت ۲۰ فعال هستند. شهروندان تهرانی به منظور کسب اطلاع از ساعت فعالیت سایر پایگاه‌های انتقال خون تهران می‌توانند به سایت اداره‌کل انتقال خون استان تهران مراجعه کنند.»

مهدی‌زاده در پایان گفت: «نیاز به خون، همیشگی است. من از شهروندان تهرانی درخواست می‌کنم با اهدای خون خود مانند همیشه در کنار اداره انتقال خون استان تهران حضور داشته باشند و باریگر بیماران و مجروحان احتمالی باشند.»

کمی بعد از اذان صبح بود که خبر آمد؛ خبری که همچون صاعقه‌ای بر سر و دل‌ها فرود آمد. انکار زمان برای لحظه‌ای ایستاد. تلفن‌ها با صدایی لرزان خبر را تکرار می‌کردند و اشک، بسیار جاری می‌شد. خبر شهادت رهبر انقلاب برای بسیاری تنها یک اعلام رسمی نبود، بلکه زخمی بود که قلب‌ها را نشانه رفت. فاجعه روز شنبه ۹ اسفند رخ داده بود. به گزارش ایرنا، در پی حملات وحشیانه رژیم غاصب و منحوس صهیونیستی و دولت خبیث آمریکای جنایتکار، مقتدای جهان اسلام، اسوه ایمان و اقتدار، عالم ربانی «حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی»، به فیض شهادت نائل آمد. هر دل‌داده‌ای به‌گونه‌ای واکنش نشان داد. صداوسیما از حضور خودجوش مردم در میدان انقلاب و میدان‌های شهرهای مختلف خبر می‌داد؛ زنان و مردانی که بر سر و سینه می‌کوبیدند. تصویر دیگر، عده‌ای بودند که در حرم امام رضاع) در مشهد جمع شده بودند و پرچم سیاهی که در حرم به اهتزاز درمی‌آمد. این خبری است که مانند پتکی فرود آمد. کوچه‌ها و خیابان‌ها در سکوت مطلق بودند، هیاهویی به گوش نمی‌رسید، به تدریج خیابان‌ها جان گرفتند، با قدم‌های لرزان و چهره‌هایی ماتم‌زده، انکار جمعیت با فقدانی روبه‌رو بودند که دشوارتز از آن بود که بتوانند باور کنند.

یاد

مرثیه‌ای برای کودکان جان‌باخته



علی اصغر سیدآبادی

۱۴۹ دانش‌آموز دبستانی در میناب، در نخستین ساعت‌های حمله به دبستانشان جان باختند. تحولات بعدی از نظر ارزش خبری برای روزنامه‌نگاران جهان آن‌قدر بزرگ بود که کشته‌شدن این دختران زیر سایه خبرهای مهم‌تر کم شد؛ همچنان که کشته‌شدن زنان ورزشکار لامردی. گویی در هر جنگ و درگیری‌ای، سهم قربانی کودکان باید ادا شود. هنوز چیزی از جان‌باختن بیش از ۲۰۰ نوجوان در اعتراضات دی‌ماه نگذشته بود که این بچه‌ها هم قربانی شدند. این ۱۴۹ نفر کودکان دبستانی بودند. هیچ‌کدام از آنان و خانواده‌هایشان انتخاب نکرده بودند که زیر آوار بمانند و هزینه چیزی شوند که نمی‌دانند چیست. آنان انتخاب‌شده نبودند. کسی آنان را برای قربانی شدن برنگزیده بود. هیچ نقشی در به وجود آمدن جنگ و بهانه‌های جنگ و سازوبرگ آن نداشتند. هنوز سنشان به نقش برعهده‌گرفتن نرسیده بود. مثل همه بچه‌های یک مدرسه از خانواده‌هایی گوناگون بودند. آنان مثل هر روز لباس پوشیدند و به مدرسه رفتند و روی نیمکت‌های کلاس‌هایشان نشستند و مثل هر روز دفترها و کتاب‌هایشان را روی میز گذاشتند و برخی گوش به صدای معلم سپردند و برخی در حالی که نگاهشان به معلم بود، خیالشان از پنجره کلاس بیرون پرواز کرد و در رویاهای تلخ و شیرین غرق بودند که صدای مهیبی سقف و دیوار را بر سرشان آوار کرد. سال‌ها زندگانی پیش‌رو و رویاهای بسیاری از آنان در دیده شد؛ همان‌طوره‌که از جان‌باختگان دی‌ماه، دست ندرام نام هیچ‌کدامشان فراموش شود، اما چه سود وقتی مادرها و پدرهایشان نمی‌توانند در آغوششان بگیرند؟



کودکی

چگونه از ذهن کودک در شرایط جنگی محافظت کنیم؟

حفظ سلامت روان کودکان در شرایط بحران نیازمند رویکردی چندلایه است که خانواده، جامعه و سیاست‌های حمایتی را در بر گیرد. در سطح خانواده، شیوه تعامل والدین نقشی تعیین‌کننده دارد. نخست، تنظیم هیجانی والدین اهمیت بنیادین دارد. کودک اضطراب را از طریق رفتار، لحن صدا و واکنش‌های غیرکلامی بزرگسالان دریافت می‌کند. والدین لازم نیست ترس خود را انکار کنند، اما باید آن را به‌گونه‌ای مدیریت کنند که احساس فروپاشی منتقل نشود.

دوم، گفت‌وگوی صادقانه و متناسب با سن کودک ضروری است. پنهان‌کاری مطلق می‌تواند اضطراب را افزایش دهد؛ زیرا کودک از نشانه‌های محیطی متوجه ناامنی می‌شود اما توضیحی دریافت نمی‌کند. توضیح باید ساده، کوتاه و اطمینان‌بخش باشد؛ تأکید بر اینکه بزرگسالان برای حفظ امنیت تلاش می‌کنند. سوم، حفظ روال‌های روزمره حتی در حداقل ممکن، به بازسازی حس ثبات کمک می‌کند. ساعت خواب منظم، وعده‌های غذایی مشخص، زمان بازی و مطالعه، پیام روشنی از تداوم زندگی به کودک منتقل می‌کند.